



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



10/03/2023

محمد صالح گردش

تاریخ مختصر یک صد و بیست سال اخیر کشور

از ظهور اندیشه های مشروطیت خواهی یعنی از دوران امیر حبیب الله خان (امیر شهید) افراد باسواد و خوانا ما از لحاظ بار فکری بیشتر به دو گروه منقسم گردیدند: گروه اول دگراندیشانی که ترقی و تحول جامعه را در رو لوجی و پالوجی دیده و دانسته بودند و دوم مذهبیبون و دین باورانی که ایمانداری را بیشتر در پوشش چادری و خانه نشینی زن ها می دیدند و می دانستند. سقوط سلطنت امان الله خان بدست بچه سقاو و تیزاب پاشی ها در دوره مشروطیت سلطنت محمد ظاهرشاه به روی زنان و دختران در جاده ها و کوچه ها برخورد و تصادم آشکار و میدانی این دو گروه فکری را بر می تابد. در نتیجه انکشافات سیاسی و اجتماعی با دست اندازی و حمایت کشور های دیگر ازین دو جریان فکری و در مقاطع مختلف زمانی هر دو گروه بعد ها نیز یکی پی دیگری زمام امور کشور را در دست گرفتند، گروه دگر اندیشان چپی (حزب دموکراتیک خلق) وقتی به سر اقتدار رسید، جوانان را سر لوچ و پالوچ به خیابان ها کشیدند و شعار زنده باد به خود و مرده باد به مخالفان فکری شان را فریاد زدند، زمین های مردم را به اجبار گرفتند و به دهاقین تقسیم نمودند و به روی همان زمین ها خرگاه و خیمه شب بازی برافراشتند و از شب تا صبح با میدانی ساختن دختران و پسران، رقص و پاکوبی بر پا کردند، هزاران انسان را به جرم تدین و ادای مناسک دینی کشتند و یا محبوس ساختند. زمان با جنگ های متقابل و ریزش پیهم خون انسان ها گذشت تا اینکه گروه دوم به پیروزی رسید و رقص مرده ها آغاز شد. آنها دیگر تیزاب به روی زن ها نپاشیدند بلکه زنان و مردان را در داخل بیلر های تیزاب و در جوشش آب چونه های آب نرسیده ذوب و محو نمودند، افراد را زنده زنده سوزانیدند و وضعیت حمل زنان را به روی جاده و خیابان ها به تماشا نشستند. وقتی به پنجاه سال گذشته می نگرم به صحت و سقم موضوع این رباعی عمر خیام بیشتر متوجه می گردم:

قومی متفکرند اندر ره دین

قومی به گمان فتاده در راه یقین

می ترسم از آن که بانگ آید ز کمین

کای بیخبران راه نه آنست و نه این

و اما درین مجادلات و تقابلات مدعوین چیز فهم جامعه، فقط و فقط مردم و ملت ما بودند که تاوان دیدند و خساره پرداختند. در بازه زمانی این رویا رویی ها هزاران معلم و دانشمند و متعلم و دانشجو به جرم دانش

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ

و علم آموزی کشته و مقتول گردیدند و صد ها مکتب و مدرسه نیز نابود و مخروبه گردید. ملیون ها باشنده کشور راهی دیاران دیگر شدند و از ظلم و بیداد و جفاهای دیده هرگز برنگشتند، یعنی شمع های شب افروز خانه و ستاره های درخشان آسمان سرزمین های غیر گردیدند. تا جایی که درین دیار چراغ علم و دانش کاملاً خاموش گردید و مردم بی گناه ما در جنگ افراطیون چپ و راست قربانی شدند و به تاریکی نشستند. این است تاریخ مختصر معاصر ملتی که بتدریج از پا افتاد و قربانی جهالت افراط گرایان دو جناح متخاصم فکری بر سر موضوعات هیچ و پوچ گردیدند، ولی تا امروز زمینه رشد به گروه های میانه رو مساعد نگردید و هیچ کشوری نیز ایشان را دست نگرفت، زیرا منافع خود را در قبال سیاست و روش های شان ندیدند و نجستند. از همین است که دیگر از احزاب میانه روی چون مساوات خبری نیست و از رهروان راه پژواک و فرهاد و مجروح ها و وطن پرستان دیگر کسی نماند و همه حاشیه نشین و گوشه گیر و سر به نیست گردیدند.